

این حلال است، آن حرام است

مؤلف:

عبدالقادر احمد عطا

مترجم

دکتر سالم اسیری

(استادیار دانشگاه کردستان)

ویراستار و مترجم افزوده‌ها:

عثمان نقشبندی



انتشارات کردستان

سنندج

سرشناسه	:	احمد عطا عبدالقادر
عنوان قراردادی	:	هذا حلال... و هذا حرام. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:	این، حلال است و آن، حرام است / مولف عبدالقادر احمد عطا؛ مترجم سالم افسری؛ مترجم افزوده‌ها و ویراستار عثمان نقشبندی.
مشخصات نشر	:	سنندج : انتشارات کردستان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۶۲۸ ص.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۹۸۰-۱۴۳-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	عنوان دیگر: حلال و حرام.
عنوان دیگر	:	حلال و حرام.
موضوع	:	حلال و حرام.
شناسه افزوده	:	افسری، سالم، ۱۳۴۲ -، مترجم
شناسه افزوده	:	نقشبندی، عثمان ۱۳۵۳ -، ویراستار
رده بندی کنگره	:	۴۰۱۴ ۱۳۹۱ ۶۷۳/۳ BP163
رده بندی دیویی	:	۳۷۴/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۸۵۶۳۴



انتشارات کردستان

Kurdistan Publication

سندج - پاساژ عزتی - تلفن: ۲۲۶۵۳۰۲

این حلال است، آن حرام است

این حلال است، آن حرام است	✓ نام کتاب:
عبدالقادر احمد عطا	✓ مؤلف:
دکتر مسعود حسینی	✓ مترجم:
شماره نشریه	✓ ویراستار:
اول: ۱۳۹۲	✓ نویت چاپ:
جلد ۳۰۰۰	✓ تیراژ:
۶۰۰ صفحه‌ی وزیری	✓ تعداد صفحه و قطع:
انتشارات کردستان	✓ ناشر:

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۰-۱۴۳-۸

ISBN: 978 - 964 - 980 - 143 - 8

قیمت:

۲۰,۰۰۰ تومان

یادآوری:

ترجمه‌ی حاضر از روی یک چاپ کهنه‌تر کتاب صورت گرفته است.
چاپ جدید کتاب (۲۰۰۳ م. دارالکتب العلمیه‌ی بیروت)، دارای
افزوده‌ها و تغییرات و تفاوت‌هایی نسبت به چاپ مذکور است که
ویراستار کتاب، به پیشنهاد ناشر، آن افزوده‌ها را ترجمه و تغییرات را
لحاظ و اعمال کرده است. با سپاس از وی.

ناشر

فهرست اجمالی مطالب

۹		مقدمه	
۱۵		مبحث نخست: حلال و حرام میان انسان و پروردگار	☐
۱۷		حلال و حرام در زمینه‌ی علم و دانش	✓
۳۹		حلال و حرام در عقیده	✓
۷۵		حلال و حرام در عبادات	✓
۸۴		حلال و حرام مربوط به نماز و توابع آن	
۱۰۹		حلال و حرام مربوط به روزه	
۱۱۵		حلال و حرام مربوط به زکات و صدقه	
۱۲۷		حلال و حرام مربوط به حج	
۱۳۹		مبحث دوم: حلال و حرام میان انسان و نفس خویش	☐
۱۴۱		مطابق با امری که به تو شده، استقامت پیشه کن!	✓
۱۶۱		هیچ تغییر و تبدیلی را در خلق خداوند راه نیست	✓
۱۸۷		حرام و حلال در خوراک و پوشاک و نوشیدنی	✓
۲۶۷		حلال و حرام در آداب و رسوم و اخلاق	✓

- ۳۰۵ مبحث سوّم: حلال و حرام میان انسان و نفس خویش □
- ۳۰۷ حلال و حرام در محیط خانواده ✓
- ۳۹۵ حلال و حرام در آداب اجتماعی ✓
- ۴۶۷ حرام و حلال در معاملات مالی ✓
- ۵۳۵ حلال و حرام در روابط سیاسی و بین المللی ✓
- ۵۸۵ خاتمه (وسائل التزام قولی و عملی به حلال و حرام) □
- ۵۸۹ فهرست تفصیلی مطالب ✓

مقدمه

پروردگارا! تو را سپاس سیاسی که با نعمت‌هایت برابری و با افزوده‌هایت همسانی کند. پروردگارا! تو را با تمام سیاسی‌ها و صفاتِ حمدت، آن‌هایی که می‌دانیم و آن‌هایی که نمی‌دانیم، تو را سپاس و ستایش می‌گوییم و به‌خاطر همه‌ی نعمت‌هایی که بر ما ارزانی داشته‌ای، چه آن‌ها که می‌دانیم و چه آن نعمت‌هایی که از دانش ما به‌دور است و در تمام اوضاع و احوال، تو را شکر می‌گزاریم.

پروردگارا! بر سرورِ سروران، سالارِ فرزندان آدم، خاتم پیامبران، پیامبرِ امّی، سرورِ ما حضرت محمد، و نیز، بر آل و اصحابش و بر هرکس که سنت و روش او را درپیش گرفته است و از دستوراتِ وی پیروی و از منهیاتش پرهیز می‌کند، سلام و درودی همیشگی بفرست.

امّا بعد؛

"موضوعِ حلال و حرام" پایه‌ی اسلام و نشانه‌ی ایمان و معیارِ صداقت و راستگویی مؤمن در محبتش به پروردگار و پیامبرِ اوست. به دلیل این‌که ایمان بدون عمل صحیح نیست و عمل کردن هم برخلاف مقتضای امر و نهی صحیح نیست و بدون محبت و علاقه نیز، هیچ التزامی به امر هیچ دستوردهنده‌ای و قهی هیچ نهی‌کننده‌ای وجود ندارد و محبت بدون پیروی هم ادّعایی دروغین بیش نیست و ایحای بدون عمل نیز، گاهی، نفاق و دورویی است و اسلام بدون محبت و پیوند با شریعتِ اسلام - که تمام بایدها و نبایدهای فردِ مسلمان در زمینه‌ی اعمال قلب و بدن را شامل می‌شود - هرج و مرج و آشفتگی است؛ اهمیتِ موضوعِ حلال و حرام در دین اسلام، به‌عنوانِ آخرین شریعت برای ساختن تمدنِ امّتی که بهترین امّت برانگیخته برای بشریت است هم، از همین جا نمایان می‌گردد و همه‌ی شرایع پیشین (آسمانی) نیز، در

واقع، به منزله‌ی تمرین دادن و آماده‌سازی بشریت برای پذیرش آن آخرین شریعت و زمینه‌سازی در جهت کامل شدن هوشیاری و آگاهی در آن امت برگزیده بوده است و بدین ترتیب، پروردگار، نشانه‌ها و دلایل را در اقوام پیشین در برابر دید آن امت برگزیده قرار داد؛ و پس از آن، سرنوشت هر امتی که از شریعت پروردگار روی گردانید جز هلاکت و تباهی نبود، و عاقبت هر آن کس هم که امر و نهی را به باد فراموشی سپرد جز آشفتگی و پریشانی نبود و به همین دلیل هم، پروردگار جبار، پیشاپیش، بر زبان "نوح"، خطاب به همه‌ی امت‌ها اعلام کرد که: شرط جریان امور و احوال مادی و معنوی بر روال عادی و اتمام خلافت در زمین و اقتدار بر معاندان، پاکی جُستی از حرام است و فرمود:

«و بدیشان گفتم: از پروردگار خویش طلب آموزش کنید که او بسیار آمرزنده است؛ از آسمان پیاپی بر شما باران‌های پُر خیر و برکت می‌باراند، و با اعطای دارایی و فرزندان، شما را کمک می‌کند و یاری می‌دهد و باغ‌های سرسبز و فراوان و رودبارهای پرآب بهره‌ی شما می‌سازد»^۱.

سال‌ها پیش، "استاد یوسف قرضاوی" در موضوع حلال و حرام کتابی نوشت که اولین گام در این راه بود و تلاش وی جای تشکر و قدردانی دارد؛ اما او به همه‌ی مسایل حلال و حرام مرتبط به اعمال قلبی، افعال و بی‌توجهی کرده و تنها به سخن گفتن از حلال و حرام در اعمال بدنی اکتفا کرده است و این بی‌توجهی و نادیده‌انگاشتن هم، به دلایل زیر، خلل و نقصی در کتاب یادشده به شمار می‌آید:

۱. یاران پیامبر - رضی‌الله عنهم - با آن جایگاه شامخ و رسوخ علمی و ایمان ژرف و نزدیکی‌ای که به پیامبر خدا ﷺ داشتند، به همان اندازه که به اعمال جوارح و بدن حرص و توجّه داشتند، به همان اندازه نیز بر اعمال قلبی حریص بودند؛ به‌طور مثال، می‌بینیم که حنظله‌ی اسدی، نزد ابوبکر صدیق رضی‌الله عنه از این مسأله شکایت دارد که او در محضر پیامبر ﷺ در حالتی از یقین است که در آن حالت با بصیرت قلبی خویش عالم غیب را مشاهده می‌کند به دلیل این که وقتی سخنی درباره‌ی بهشت و جهنم از زبان پیامبر ﷺ می‌شنود، جهنم و بهشت

۱. ﴿قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مَاءً غَافِقًا يَنْجِلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ (نوح: ۱۰-۱۲).

را آن چنان در برابر خود مجسم می‌کند که گویی دارد آن دو را با چشمان خود می‌بیند، اما هنگامی که به نزد خانواده‌اش بازمی‌گردد و مشغول شؤون زندگی خویش می‌شود، آن حالت را فراموش می‌کند و آن باب مشاهده‌ی قلبی بر او قفل می‌شود و از این رو، او از این وضعیت بیمناک گردیده که مبادا شعبه‌ای از شعبه‌های نفاق باشد؛ که ابوبکر نیز هنگامی که سخنان حنظله را می‌شنود، بیمناک می‌شود، زیرا او نیز همان حالت را دارد؛ و سرانجام، هردو به محضر پیامبر ﷺ شتافتند تا حالت خود را بر ایشان عرضه کنند؛ و طولی نمی‌کشد که پیامبر ﷺ آنان را مطمئن می‌سازد که آن حالت هیچ ربطی به نفاق ندارد.

و ما، نه از جهت علم (به دین) و نه از لحاظ استواری در اعمال، به گرد پای یاران پیامبر ﷺ هم نرسیده‌ایم تا بتوانیم که این باب پراهمیتی را ببندیم که ابوبکر صدیق، راسخ‌ترین افراد امت اسلام از جهت ایمان، نبسته است.

۲. در واقع، انسان، در تمام اعمال خود، خواه فعل باشد و خواه ترک فعل، مانند یک ابزار و بدون یک انگیزه‌ی قلبی وادارنده حرکت نمی‌کند، زیرا در غیر این صورت، یک مرده‌ی بدون روح به شمار می‌آید که عملش نیز هیچ روح و معنایی ندارد. انگیزه‌ی قلبی مذکور، همان اراده و نیت و مشخص کردن هدف از عمل است بدین گونه که جوارح و اعضا در آن عمل با قلب هماهنگ باشند و روشن هم هست که در اراده و نیت انسان بسیاری از انواع نیرنگ‌های روانی رخنه می‌کنند چنان‌که حتی گاه عمل طاعت را به گناه و ترک حرام را به حرام مبدل می‌سازند و یا آن‌که عملی را که بر اساس نیت صادقاته انجام گرفته، پس از زمانی طولانی، به عملی بیهوده و بی‌ارزش تبدیل می‌کنند، مانند این‌که شخص نیکوکار پس از سال‌ها و پس از این‌که صدقه بر اساس یک نیت درست انجام گرفته است، بر شخص فقیر منت بنهد و یا آن‌که عمل بدون نیت صورت بگیرد؛ که تمام آنچه گفته شد، اثر و بالای بسیار بزرگی است که بسیاری از مردم عصر حاضر و حتی علما در مورد آن آگاهی و شناخت ندارند و بنابراین، هیچ دعوتگری نمی‌تواند که نسبت به آن اهمال و بی‌توجهی کند.

۳. اعمال قلبی مرکز و منبع بسیار دقیق و ظریف و حساسی دارند که در آن‌ها، حدود حلال و حرام بسیار به هم نزدیک است به گونه‌ای که تمیزدادن مباح از ممنوع در آن اعمال، جز با تأملی ژرف بر اساس یک دانش کامل و فقه عمیق، امکان‌پذیر نیست؛ مانند تمیزدادن

نفاقِ حرام از مدارای مباح، یا خوف از رجا که برخی از علمای معاصر میان آن دو خِطِ موضوع کرده جابه‌جایشان می‌کنند، یا رجاء (امیدواری) به خداوند از فریفته‌شدن به خداوند متعال که مردم از محدوده‌ی آن‌ها آگاه نیستند و در نتیجه، ندانسته هلاک می‌شوند؛ هم‌چنین، در هویدا کردنِ اعمالی که پوشاندنشان نیکوست، نیتِ دعوت به چنین اعمالی از راهِ الگوسازی با نیتِ خودخواهی و رغبت‌داشتن به تعریف و ستایش مردم آمیخته می‌شود؛ و نیز، تشخیصِ فرقِ غرور و تکبر با هیبت و حشمت که از ویژگی‌های دعوتگرانِ دینی است. تمام این موارد، لغزش‌گاه‌هایی هستند که علما هم در آن‌ها دچار لغزش و انحراف می‌شوند تا چه رسد به عوام و توده‌ی مردم.

۴. اعمال، به صحیح‌بودنی بر اساسِ دلیل شرعی نیاز دارند و شروطِ صحت هم در کتاب‌های فقهی ذکر شده است. هم‌چنین، اعمال، برای مقبول واقع‌شدن در نزد پروردگار، به استوارکردن در قلب هم نیاز دارند. زیرا هیچ عملی در نزد خداوند مقبول واقع نمی‌شود مگر آن‌که بر اساسِ مقتضای شروطِ صحت، صحیح و از قلب، صادر شده باشد. نیکِ روشن هم هست که این برای ما بسیار طاقت‌فرسا و تحمل‌ناپذیر خواهد بود که با وجودِ آن‌که در عباداتِ بدنِ خود را خسته کرده و خویشتن را به زحمت انداخته‌ایم، بازهم به واسطه‌ی فاسد بودنِ کردارمان، میزانِ اعمالمان در نزدِ خدا سبک و کم‌وزن باشد.

افزون بر نقضِ پیشگفته در کتابِ استاد قرض‌وی، او در بسیاری از مسایلی که متعرضِ آن‌ها شده سهل‌انگاری به خرج داده و بدون هیچ تحقیق و تدقیقی رأی شخصی خود را ابراز داشته است، مسأله‌ای که موجب شده که انتشاراتِ "دارُ‌الاعتصام"، ناشرِ کتاب، حقیقت را بالاتر از هر اعتبار و قراردادِ دیگری قرار دهد و به کتابِ مذکور پیوستی اضافه کند که امور را در جایگاهِ صحیحشان می‌گذارد؛ گرچه ناشر چشم‌پوشی کرده از بیانِ تفسیر و کوتاهی موجود در ذکرِ عللِ حرمت در پاره‌ای از موضوعات کتاب و نیز، اهمال و بی‌توجهی صورت‌گرفته در یادآوریِ اثرِ حرام در مسخ‌شدنِ انسان و اثرِ آن در وارونه‌شدنِ معیارهای حق و معکوس‌شدنِ معانیِ واژه‌ها در عرف و برداشتِ انسان به گونه‌ای که حق را باطل و باطل را حق می‌نمایاند. افزون بر آن، کتاب از بیانِ شبهه‌ها هم غفلت ورزیده و تنها به ایراد سخن کوتاهی درباره‌ی آن‌ها اکتفا کرده است.

کتاب مذکور، هم‌چنین، از بحث و نظر در مورد موضوع «اسناد سرمایه‌گذاری» هم خالی است و مؤلف، حتی در آخرین چاپ کتاب نیز، این نقص را جبران نکرده است با آن‌که مسأله‌ی مذکور در میان مردم شایع و رایج است. از دیگر نقایص کتاب یادشده، این است که مؤلف، برای مقابله با این دردها و مشکلاتی که آن‌چنان شایع و رایج شده که خوراک و پوشاک و نوشیدنی‌های مردم هم را به حرام آلوده و آنان را از نعمتِ خشنودی پروردگار محروم کرده و در جنگی بی‌سابقه با خداوند متعال و پیامبر او قرار داده است، جایگزین‌های شرعی معاملات ربوی آشکار و نقاب‌دار را به‌طور کامل و شامل بررسی نکرده است و این (رباخواری و افتادن در جنگ با خدا و پیامبر) هم در زمانی است که مسلمانان، به دلیل قرارگرفتنشان در برابر همه و یورش دیگر امت‌ها در تمام زمینه‌ها و به‌خاطر ضعفشان در زمینه‌ی مالی و نظامی و دانشی، به یاری و لطف پروردگار نیاز دارند، زیرا آنان، جز یاری و پیروزی پروردگار هیچ پشتیبانی دیگری ندارند، یاری و پیروزی‌ای که به کسانی وعده داده شده که با عمل و مطابق با اراده‌ی حق و نه بر وفقِ هوای نفس و خواسته‌ی جامعه، خداوند را یاری می‌دهند.

البته مطالب پیشگفته‌ی ما به معنای ضایع کردن حق و تلاش قابل ستایش دکتر قرضاوی نیست و بلکه ما در جهت بیان حقیقت و حق اسلام و امانتداری در زمینه‌ی دعوت به راه پروردگار، تصمیم گرفتیم که نقص مذکور را تدارک کنیم و بنایی نو بر پایه‌ی روشی نو بسازیم و مسایل حرام و حلال را بیشتر روشن نماییم تا بدین‌گونه دیدگاه روشن و نمایان گردد و نفاق و دورویی آشکار شود و یقین به برتری شریعت اسلام بر تمامی آن حساب‌هایی که افرادی کوچک در قالب مکاتبی اقتصادی یا سیاسی و فقط به قصد جمع کردن هواخواهان به دور شهوات و توهّمات و بی‌بندوباری متعفن با نقابِ پیشرفت و تمدن در مقابل عقب‌ماندگی ایراد می‌کنند، راسخ گردد و البته که در پشت تمام این موارد، نقشه‌ای مودیانه به قصد ازبین بردن ملت اسلام نهفته است؛ و هدف ما از این همه آن است که برای جوانان و پیرانمان هویدا گردد که در زیر این نقاب‌های فکری شکننده چه مسخ‌شدگی‌های طبیعی و اخلاقی‌ای وجود دارد، مسخ‌شدگی‌هایی که پاکان و پاکیزگان از آن می‌را و متنفرند و انسان‌های کوچک و سرگردان و دنباله‌رو هر طاغوت و هر کوتاه‌فکر و هر کم‌مایه‌ای به آن الفت دارند، آن کسانی که آدم‌های حقیرِ دعوتگر به‌سوی فرعونیت منقرض شده را خدا و معبود قرار می‌دهند.

ما، در جهت تحقق اهداف پیشگفته، بهتر آن دیدیم که - به یاری خدا - کتاب را بر اساس سه مبحث و یک خاتمه فصل بندی کنیم که با این ترتیب، روش بحث، از جهت شکلی، کامل و بدون نقص می شود؛ نیز، ساختار مباحث سه گانه را هم بر دو اساس عدل، یعنی حلال و ظلم، یعنی حرام بنا می کنیم؛ که در مبحث نخست، از عدالت انسان میان خود و پروردگار خویش و امور جایز و ممنوع متعاقب آن؛ و در مبحث دوم، از عدالت انسان با نفس خویش و پیامدهای آن اعم از خواسته های حلال و حرام نفس و عقل و روح و بدن؛ و در مبحث سوم، از عدالت انسان با غیر خود: فرد با فرد، فرد با جمع، جمع با جمع، امت با امت و نیز امور حلال و حرام متعاقب آن، بحث و گفتگو خواهیم کرد.

در پایان، از پروردگارِ علیم و فتاح مسألت دارم که به جای چشم هایمان، دل هایمان را بیدار کند و بگشاید و ما را موفق سازد که به جای ظن و گمان، پیرو یقین باشیم تا این تألیف از جهت موضوعی و تخصصی هم کامل گردد و آن را دعوتی خالصانه به سوی خدا و راه وی قرار دهد و پیامبر برگزیده امان حضرت محمد - صلوات و درود پروردگار بر او باد آن گونه که شایسته ی اوست - را در برابر حقّی که بر گردن ما دارد پاداش دهد که او شنونده ی نزدیک و اجابت کننده است و هر آنچه را اراده کند انجام می دهد.

عبدالقادر احمد عطا

شاهره - ۲۰ ذی الحجه ی ۱۳۹۵ هجری

برابر با ۲۳ دسامبر ۱۹۷۵ میلادی